

رویکردی بر مفهوم «هویت» در منظر طبیعی و روش‌شناسی در خصوص ارزشیابی آن

علیرضا میکائیلی تبریزی*^۱، مهسا بذرافشان^۲

۱ دانشیار گروه محیط زیست، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان
۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی طراحی محیط‌زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۲۲؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۴/۰۱)

چکیده

اگرچه «هویت» در مفهوم عام و کلان، قدمتی طولانی و هم‌پای تاریخ تمدن انسان دارد، اما پیشینه‌ی این بحث در منظر طبیعی چندان با سابقه نیست. مفهوم هویت منظر طبیعی در فرآیند شناخت و ادارک، پدیده‌های چندبعدی و پیچیده را پیش‌روی ما قرار می‌دهد. دو دیدگاه کاملاً متفاوت در رابطه انسان با طبیعت وجود دارد که در یک دیدگاه انسان به عنوان حافظ طبیعت و حتی نجات‌بخش آن تعریف می‌شود و در دیدگاه دوم انسان عامل تجاوز به حریم طبیعت تصویر می‌شود. بنابراین اهداف، انگیزه‌ها و طرح‌های توسعه به منظور بهره‌برداری از طبیعت و منابع طبیعی نیز بسیار با یکدیگر متفاوت خواهد بود. با توجه به گستردگی تخریب در طبیعت، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی تصمیم به ارائه راهکارهایی برای دست یافتن به هویت منظر طبیعی به منظور حفظ و توسعه‌ی فضایی و کاربردی آنها گرفته‌اند. در این راستا بسط هر چه بیشتر راهکارهای درک هویت منظر کمک شایانی به حفاظت از عرصه‌های طبیعی خواهد کرد. در شناخت هویت منظرهای طبیعی و انسان‌ساخت در پژوهش حاضر از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. طرح دیدگاه ارائه شده در مصوبه‌ی اتحادیه اروپا با تأکید بر ماتریس ارائه شده از سوی این نهاد برای حفاظت از ساختار منظر روستاها و شهرهای کوچک هدف اصلی این پژوهش است. رویکرد ECOVAST در جهت شناسایی هویت عرصه‌های طبیعی با دستیابی به لایه‌های تشکیل‌دهنده منظر عمل می‌کند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که تمرکز و انطباق طراحی بر ارزش‌های ویژه‌ی هویت ساز عرصه‌های طبیعی یکی از اصول اساسی در کارایی و پایداری این منظرها می‌باشد. شناسایی واحدهای منظر و همچنین شناخت لایه‌های سازنده منظر راهگشای توسعه اصولی «واحدهای منظر» با در نظر گرفتن ویژگی هر واحد در ارتباط با قابلیت‌های توسعه آن می‌باشد.

کلید واژه‌ها: حفاظت، هویت، منظر طبیعی، ارزشیابی، ECOVAST

سرآغاز

محیط‌زیست متشکل از محیط‌های طبیعی و محیط‌های انسان‌ساخت است و محیط‌های طبیعی همواره بستر فعالیت‌های انسانی را فراهم آورده‌اند. از این رو فعالیت‌های انسانی بر محیط طبیعی تأثیر گذاشته و از آن تأثیر پذیرفته‌اند. با طلوع فرهنگ‌های انسانی در هزاران سال پیش، مردم محیط‌های طبیعی را به طور وسیع تغییر دادند، بطوریکه بخش بسیار کمی از آنان کماکان دست نخورده است و می‌توان آن را در زمره‌ی منظر طبیعی دانست. انسان برخاسته از طبیعت فقط در منظر طبیعی که تجلی واضح و روشنی از فرهنگ و احساسات لطیف انسانی است، روح خسته و مضطرب خود را به آرامش فرا می‌خواند و هویت گمگشته خویش را جست و جو می‌کند. چرا که تماس با طبیعت، بسیاری از ما را با ریتم و چرخه‌های زندگی، تغییر فصول، جزر و مد، چرخه زندگی گیاهان و جانوران هماهنگ می‌سازد (امین‌زاده، ۱۳۸۲). معمولاً مکان‌ها تغییر می‌یابند و برخی اوقات این امر به سرعت روی می‌دهد. با این حال این بدان معنا نیست که روح مکان لزوماً تغییر می‌کند یا از بین می‌رود. هدف وجودی ساختن -معماری- این است که محل را به مکان تبدیل کند، یعنی معنایی را که بالقوه در محیط وجود دارند بگشاید (نوروز برازجانی، ۱۳۸۲). از طرف دیگر مطالعه‌ی جلوه‌های ذاتی همچون جلوه‌های هیدرولوژیک، ژئومورفولوژیک، حیات وحش و گیاه‌شناسی سبب می‌شود که بتوان نظام ارزشی مبتنی بر ویژگی‌ها، تهدیدات و فرصت‌های اکولوژیک در یک منطقه را تنظیم نمود و امکان برنامه‌ریزی و طراحی در قالب توسعه پایدار را فراهم کرد. این دیدگاه می‌تواند وضعیت برنامه‌ریزی موجود را بهبود بخشد، یعنی همان برنامه‌ریزی که در حال حاضر به فرآیندهای طبیعی کاملاً بی‌اعتناست. فرآیندهای طبیعی شامل توپوگرافی، زمین‌شناسی، آب‌های سطحی و زیرزمینی، جلگه‌های سیلابی، خاک، شیب‌های تند، جنگل‌ها و درختزارها، گونه‌های جانوری و گیاهی، اقلیم و آب و هوا است. پدیده‌های طبیعی فرآیندهای پویا، همکش و مقید به قوانین اند و این خود برای امور انسانی امکانات و محدودیت‌هایی بوجود می‌آورد. لذا می‌توان با ارزیابی منظر درک کرد که هر منظر طبیعی شامل آب و یا زمین برای کاربردهای منفرد و یا چندگانه مناسب ذاتی دارد و نیز در بین این کاربردها چه نوعی از سلسله مراتب مطرح است (وهاب‌زاده، ۱۳۸۶).

استفاده از این عرصه‌ها و یا تغییر آنها بدون درک قبلی سبب می‌شود تا فرآیندهایی که الگوهای طبیعی را ایجاد کرده یا تغییر می‌دهند دچار نقصان گشته و در نتیجه‌ی راه حل‌های نامناسب، آسیب‌های جدی به سامانه‌های طبیعی وارد شود. بدیهی است که ساختار هر اکوسیستم به سازماندهی اجزای آن و سیستم‌های مرتبط برمی‌گردد. در حقیقت ساختار در جایی وجود دارد که تمامی نمودهای پویایی در کنار همدیگر قرار می‌گیرند و این مسئله خود مبین تغییر و پویایی در طول زمان است (امین‌زاده، ۱۳۸۲). محیط طبیعی به عنوان بستر فعالیت‌های انسانی، دارای یک ساختار سیستمی است. این نظام دارای اجزاء و عناصری است که با ویژگی‌های کمی و کیفی خود ساختار محیطی را شکل می‌دهد. هر کدام از این اجزاء ایفاگر نقش معینی هستند که در مجموع -این نقش‌ها- عملکردهای محیط‌زیستی را بوجود می‌آورد. از طرفی کل این ساختار به صورت منسجم با ویژگی‌های خود، زمینه‌ها و بسترهای مختلفی را برای فعالیت انسان ایجاد می‌کند. به عبارتی، نوع ساخت محیطی و عملکرد آن در مکان‌های مختلف و در مقیاس‌های زمانی متفاوت باعث شکل‌گیری اشکال مختلف زندگی و رفتارهای متفاوت (به تبع خلق سیماهای متفاوت) شده است. این ویژگی عاملی است تا در هر گوشه‌ای از کره‌ی زمین شکل خاصی از زندگی انسانی، جانوری و گیاهی حاکم باشد. اصطلاح مکان طبیعی حاکی از مجموعه‌ای از سطوح محیطی از قاره‌ها و کشورها گرفته تا یک لکه سایه در زیر درخت است (Schulz, 1991). به نقل از شیرازی، (۱۳۸۸). آنچه ما شاهد آن هستیم حضور طبیعت است در یک سو و انسان در سویی دیگر. مکان‌های پایدار شرط لازم برای زندگی انسان هستند (وهاب‌زاده، ۱۳۸۶). در واقع شکل‌گیری انواع مختلف سکونت‌گاه‌های انسانی و فعالیت‌های متنوع در مکان‌های مختلف پاسخی به عملکردهای عناصر موجود در طبیعت است.

واژه‌شناسی منظر

منظر از ریشه نظر است که در فرهنگ دهخدا به معنای نگریستن در چیزی، تأمل، نگریستن، مترقب حضور چیزی شدن، بینش، فکر و رأی آمده است. با این توضیح که نظر در اصطلاح منظر همان فکر است. معانی مرتبط بر منظر عبارتند از: جای نگریستن و جدا از خوشایندی یا بدنمایی (دهخدا، ۱۳۷۷). منظر

دور از حضور و دخالت‌های انسانی باشد. اتو اشلواتر جغرافی‌دان برای اولین بار در سال ۱۹۰۸ منظر را در قالب دو عنوان مطرح کرد، منظر طبیعی و یا منظری که پیش از حضور انسان و دخل و تصرف او وجود داشته و منظر فرهنگی یا منظری که توسط فرهنگ انسان شکل گرفته است. مطابق این تعریف «منظر طبیعی، منظری است که تحت تاثیر فعالیت‌های انسانی قرار نگرفته است و دست‌نخورده و بکر است، آنچنان که تمام موجودات زنده و جلوه‌های طبیعی آن آزادی تغییر و جابه‌جایی را داشته باشند. منظر طبیعی ممکن است صرفاً شامل جلوه‌های طبیعی غیرزنده، یا موجودات زنده و یا هر دو باشد، مکانی برای مدت تاریخی بسیار طولانی تحت کنترل جریان‌های طبیعی بوده و به دور از کنترل دخالت‌های انسانی باشد (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹). با وجود آن یافتن مکانی در زمین که تحت تاثیر حضور انسان قرار نگرفته باشد، تقریباً غیر ممکن است، هر مکانی که به حال خود رها شود و فعالیت‌های انسانی از آن برچیده شود، می‌تواند به منظر طبیعی خود بازگردد. واژه نیمه طبیعی به منظور توصیف منظرهایی است که تحت تاثیر نیروهای طبیعت هستند و همچنین فعالیت‌های انسانی در تغییر چهره‌ی آنها مؤثرند» (Fernands, 2009)، به نقل از بمانیان و احمدی، (۱۳۸۹). در واقع منظر طبیعی روایتی است از تاثیر متقابل نیروهایی که آن را خلق کرده‌اند (IUCN, 2009). منظر طبیعی همان طبیعت منهای انسان ذکر گردیده است. راشل کارسن در کتاب بهار خاموش منظر طبیعی را به عنوان آنچه که پیش ما گسترده شده است همچون صفحات باز یک کتاب معرفی می‌کند (وهاب‌زاده، ۱۳۸۸). منظر تصویری است مادی، جامد، فیزیکی و واقعی که حرکت ذاتی ندارد. عمل نمی‌کند ولی در عین حال انسان آن را بوسیله‌ی حواس خود درک می‌کند هر یک از این حواس تاثیر بسیار زیادی بر برداشت بیننده از محیط دارند (سیف‌الهی، ۱۳۸۱). به سخن دیگر «منظرهای طبیعی بستر زندگی انسان هستند که در شکل دادن به هویت فرهنگی تمدن مؤثرند و خود منبع الهام‌بخش انسان در خلق پیرامونش هستند» (ایرانی بهبهانی و شفیع، ۱۳۸۶). معماران منظر به منظور مرمت طبیعی هر منطقه یافته‌ها و اطلاعات بوم‌شناسانه را با عنوان عناصری مرتبط با حافظه‌ی جمعی آن مکان اساس و پایه کار خود قرار می‌دهند و در طرح‌های خود منظر را به آنچه حافظه جمعی از طبیعت در ذهن دارد، متوجه می‌کند. (ASLA, 2008) به نقل از بمانیان و احمدی، (۱۳۸۹) بنابراین درک هویت منظر امری مهم

یک زبان است. زبان منظر زبان بومی و ملی انسان‌ها است. منظر وسیله شناخت جهان و به عبارتی اولین متنی است که انسان قبل از تاریخ از علامت و نشانه آنرا می‌خواند، اسپرین منظر را ابتدایی‌ترین روش ثبت ارزش‌ها و باورها به عنوان میراث با ارزش معرفی می‌نماید. ازدیدگاه او منظر متنی غنی از تاریخ، فرهنگ و طبیعت را شامل می‌شود (بحرینی و امین‌زاده، ۱۳۸۴). واژه منظر نخستین بار در سال ۱۵۹۸ ثبت گردیده که از نقاشان قرن شانزدهم برگرفته شده است. منظر در شکلی ساده به معنای منطقه و قطعه‌ای از زمین می‌باشد که به مرور زمان مفهوم هنری و زیبایی‌شناختی نیز پیدا نموده است و بعد از رسوخ در زبان انگلیسی مصداق کامل‌تری تحت عنوان نما و تصویری که از صحنه‌ای از زمین را نمایش می‌دهد به خود گرفته است (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹). مفهوم منظر در اروپا با خلق باغ‌های انگلیسی به شکل عمیق‌تر شهرت یافت. این تعریف به ترکیب و فرم منظر بی‌قاعده‌ای اشاره می‌کند که در بریتانیا از میانه‌های قرن هجدهم تا اوایل قرن نوزدهم رایج بوده است. منظر به عنوان یک علاقه‌ی مشترک در بین انسان‌ها مطرح می‌شود که همان کادری از دریچه دید است که توسط انسان‌ها مشاهده می‌شود و مسلماً ترکیبی از عناصر بصری اطراف است. منظر به عنوان اصلی‌ترین عنصر میراث فرهنگی شناخته می‌شود و تابع رابطه متقابل عناصر فرهنگی و طبیعی است. منظر بر اساس تعریف معاهده‌ی اروپا^(۱) به عنوان محدوده‌ی قابل درک توسط افراد است که ویژگی‌های آن حاصل عمل و عکس‌العمل میان عوامل طبیعی و یا انسانی تلقی می‌شود (ECOVAST, 2000). در تعریف واژه‌ی طبیعت لغت نامه دهخدا توضیحات مفصلی آورده است که به ذکر جامع‌ترین توضیح بسنده می‌کنیم: «چهار عنصر خاک، آب، آتش، باد و پنجم نزد قدما، طبیعت استحالت ناپذیر (است) و آن جوهر افلاک است، مقابل چهار طبیعت دیگر که خاک و باد و آب و آتش باشد.» (دهخدا، ۱۳۷۷). در واقع می‌توان گفت که شاید «طبیعت پیچیده‌ترین لغت در زبان باشد، نیروی ذاتی که جهان یا بشر یا هر دو را هدایت می‌کند، همان جهان مادی که می‌تواند شامل بشر باشد یا نباشد. از آنجا که فرهنگ‌های انسانی خود را بازتابی از طبیعت می‌دانند بنابراین ایده‌های آن‌ها در مورد طبیعت آینه‌ای از فرهنگ آنهاست» (بحرینی و امین‌زاده، ۱۳۸۴).

منظر بدون حضور انسان منظر طبیعی است و منظر با حضور انسان منظر فرهنگی. منظر طبیعی، منظری است که پیوسته به

انتزاعی، سهل و ممتنع می‌باشد و از سوی دیگر در حال شدن دائمی است (آتشین‌بار، ۱۳۸۸). لذا همواره باید از طیفی یاد کرد که در یک‌سوی آن، هویت در نازلترین معنی یعنی نام‌شده و یا انسان و در سوی دیگر طیف، معنای بی‌پایان هویت قرار دارد و تمامی بحث‌های هویت، صرف‌نظر از پسوند‌هایی که بدان افزوده می‌شود بر روی این طیف قرار دارند (پیران، ۱۳۸۴).

با توجه به تعاریف منظر، منظر طبیعی و هویت، به نظر می‌رسد رویکردهای مورفولوژیک و شکل‌شناسانه در موضوع مورد بررسی، اهمیت خود را به عنوان عامل اصلی، از دست داده است. در مقابل ادغام محتوای ذهنی و شکلی طبیعت در بستر پویای زمان، به عنوان مهمترین عامل تداوم هویت در منظر طبیعی، در جهت احیاء و یا تولید حیات طبیعی، موثر است. مقوله هویت ابتدا حوزه‌هایی مانند فلسفه، منطق و روانشناسی را در بر می‌گرفت، ولی با توجه به تحولات علمی چند دهه اخیر دامنه‌ی آن به سایر محیط‌ها نیز کشیده شده است. سیماهای طبیعی به عنوان بستر شکل‌گیری سکونت‌گاه‌ها، نقش مهمی را در عرصه‌های مختلف زندگی ایفا می‌کنند. مفهوم استعاره‌ای هویت منظر طبیعی با وجود کاربرد نادر آن در متون و محاورات معماری منظر، مفهومی سهل و ممتنع است، سهل از اینرو که با به زبان آوردن هویت، تصویری با یادآوری پیشینه‌ی تاریخی، محوطه‌های قدیمی و ریشه‌های فرهنگی جامعه و نه طبیعت و بستر شکل‌گیری، در ذهن دارند؛ ممتنع از این جهت که هر پرسش در خصوص چون و چرایی هویت منظر، بدون پاسخ مانده است (آتشین‌بار، ۱۳۸۸). از جمله مواردی که در پژوهش حاضر مطرح است اینکه: آیا منظری که بقایا و نمادهای تاریخی بیشتری داشته و یا دارد هویت‌مندتر است؟ آیا می‌توان با پاسخ به این سوال به درک درستی از هویت منظر رسید؟ آنچه در بستر زمان رخ می‌دهد و به امروز می‌رسد چه جایگاهی در هویت‌مندی منظر طبیعی دارد؟ هویت محیط به چه معناست؟ چه رابطه‌ای بین هویت جامعه، انسان‌ها و هویت محیط برقرار است؟ آیا تقدم و تأخری در شکل‌گیری هویت انسان و محیط موجود است؟ آیا هویت مقوله‌ای ثابت در طول زمان و گذر نسل‌ها است؟ با چه روش و رویکردی می‌توان به این سوالات پاسخ داد؟

هویت منظر

بدیهی است اولین برخورد با هر شی یا پدیده‌ای سیما و کالبد

در طراحی می‌باشد که بدون آن رسیدن به پایداری و محیط پاسخده ممکن نخواهد بود.

واژه شناسی هویت

در فلسفه، هویت به حقیقت جزئی‌ه تعریف شده است. یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص لحاظ و معتبر شود، هویت گویند (آتشین‌بار، ۱۳۸۸). هویت به معنای وجود خارجی است و مراد تشخیص است. هویت گاه بالذات و گاه بالعرض است (معین، ۱۳۷۱). بهزادفر در کتاب هویت شهر، می‌نویسد: «در لغت‌نامه دهخدا نیز در بیان ریشه و اصل کلمه هویت، لفظ «هو» آورده شده است. هویت گاه بر وجود خارجی و گاه بر ماهیت با تشخیص اطلاق می‌شود که عبارت است از حقیقت جزئی‌ه (بهزادفر به نقل از دهخدا، ۱۳۷۷). جرجانی در کتاب «التعریفات» هویت را رویکرد عقلانی از حیث امتیاز شیء از دیگران می‌داند. منظور از امتیاز در اینجا تفاوت و تعداد داشتن است و به معنی برتر بودن نیست (صالحی، ۱۳۸۷). «راپاپورت» هویت را خصوصیتی از محیط تعریف می‌کند که در شرایط مختلف تغییر نمی‌کند و یا خصوصیتی که موجبات قابلیت تمیز و تشخیص عنصری را از عناصر دیگر فراهم می‌آورد. «الکساندر» هویت محیط را چنین تعریف می‌کند: هویت محیط، حاصل ارتباط طبیعی و منطقی فرد با محیط است و این ارتباط و احساس تعلق خاطر بوجود نخواهد آمد، مگر آنکه فرد قادر به شناخت عمیق محیط و درک تمایز آن از محیط‌های دیگر باشد. به عقیده «پروشانسکی» هویت محیط، زیر ساختی از هویت شخص است که از شناخت‌های ذهنی فرد از دنیای کالبدی که در آن زندگی می‌کند تشکیل می‌شود. از نظر «لالی» هویت فرد در ربط و نسبت با محیط بدست می‌آید (دانشپور، ۱۳۸۳).

واژه هویت یا «Identity» ریشه در زبان لاتین دارد «Identitas» و از «Iden» یعنی «مشابه و یکسان» مشتق شده که دارای دو معنای اصلی است: اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است، معنای دوم آن به معنای تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد (محرمی، ۱۳۸۳). به این ترتیب هویت، به مفهوم شباهت، از دو زاویه مختلف قابل بررسی است و به طور همزمان میان افراد و اشیاء دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد: شباهت و تفاوت. مفهوم هویت، مانند بسیاری از مفاهیم فلسفی، اجتماعی و انسانی،

سازنده را برای جوامع روستایی و میراث روستایی فراهم آورد. اولین قدم در اجرای ECOVAST، شناسایی خصوصیات منظر و درک معنای کیفیت است. چگونه می‌توان فهمید که با گذشت زمان کیفیت منظر کاهش پیدا کرده است یا افزایش؟ برای انجام این کار مشارکت عمومی نقش بسزایی دارد. باید خاطر نشان کرد که این مهم تنها از طریق اقدامات دولت میسر نمی‌شود. مشارکت عمومی از طرق مختلف و در مقیاس‌های متفاوت صورت می‌گیرد. لازم به ذکر است که ECOVAST از پیشگامان انجام کار گروهی می‌باشد. دومین مرحله، درک معنای کیفیت منظر است. منظر به خودی خود منحصر به فرد است و هر منظر، ویژگی خاص خود را دارد. منظر شامل ویژگی‌های مختلفی است؛ فرم زمین، کیفیت خاک، پوشش گیاهی، کاربری زمین، الگوی سکونت و ... همگی از عوامل شکل‌گیری آن محسوب می‌شوند اما نکته مهم بیان ویژگی‌های اصلی منظر است که ناشی از حس منتقل شده از منظر به افراد می‌باشد، درست همانند حسی که یک خانه برای ساکنان آن دارد. این ویژگی که به آن حس مکان نیز گفته می‌شود، عنصری مهم در جذب افراد برای بازدید از مکان می‌باشد و پر واضح است که از دست دادن آن حس، عملی کشنده برای آن منظر خواهد بود، درست همانند قطع کردن شریان اصلی حیات در بدن انسان. در این مورد منظرها به‌طور مشابه عمل می‌کنند و واکنشی که به این تغییرات منفی نشان می‌دهند یکسان خواهد بود. این تغییر بر خلاف سایر تغییرات وارده بر منظر تأثیر یکسانی بر ویژگی‌های آن خواهد داشت و مسلماً مشهودترین تغییر، تخریب و تباهی ویژگی‌های بصری آن منظر می‌باشد. بنابراین اولین قدم برای حفاظت از منظر درک و شناسایی هویت آن منظر می‌باشد.

در این فرآیند شناسایی، هر منظر به‌صورت «واحد» در نظر گرفته می‌شود که مسلماً این واحد مقیاس عددی نخواهد داشت، زیرا در برخی منظرها مثل گراند کانیون امریکا، منظر برای کیلومترها متر مربع یکسان است و در برخی مناطق مثل اروپا از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر متفاوت می‌باشد. شاید در ظاهر استفاده از واژه «واحد» چندان اصولی نباشد؛ اما هر منظر مطابق تقسیم‌بندی اتحادیه اروپا برای ارزشیابی توسط این ابزار به مقیاس «واحد» تقسیم می‌شوند. این مقیاس اجازه‌ی تمرکز بیشتر به محل موردنظر را می‌دهد و از آشفتگی بصری در جهت مطالعات پایه جلوگیری می‌کند. «واحد» منظر در راستای شفاف‌سازی تفاوت هویتی منظر در مقیاس‌های مختلف از واحد همسایگی تا

ظاهری آن است. وجه قابل ادراکی که با حواس پنج‌گانه به راحتی قابل تشخیص و بازشناسی است (صالحی امیری، ۱۳۸۷). آن‌گونه که شولتز بیان می‌کند انسان در برخورد با طبیعت اول با کیفیات محیطی روبرو شده و آن را تجربه می‌کند. مکان توسط شناسه‌های موجود در آن تعریف می‌شود و این عوامل به عنوان مرجع درک می‌شوند (شیرازی، ۱۳۸۸). بخشی از آنها به عوامل طبیعی مانند کوه، جنگل، دره و رودخانه ختم می‌شود و بخشی دیگر عناصر انسان‌ساخت می‌باشد مثل پارک و میدان و ادراک همزمان این‌ها موجب شناخت مکان و تعلق به آن می‌شود. این خوانش از مکان در محیط‌های طبیعی به روشن شدن مفهوم هویت منظر در نگاه انسان می‌انجامد (ایرانی بهبهانی و شفیع، ۱۳۸۶).

در این راستا به معرفی روشی می‌پردازیم که یکی از موثرترین راه‌ها برای تشخیص هویت منظر می‌باشد. آنچه که به عنوان هویت منظر درک می‌شود ترکیبی است از المان‌های طبیعی و فرهنگی که در طبیعت با هم تلفیق می‌شوند و احساسات مختلف را در هر مکان بوجود می‌آورند و ارمغان آن حس مکان خواهد بود. منظر یا چشم‌انداز به معنی محوطه‌ای است که توسط مردم درک می‌شود که این هویت درک شده نتیجه عمل و عکس‌العمل طبیعت و فاکتورهای دخیل در آن می‌باشد (2000 ECOVAST).

روش تحقیق

با در نظر داشتن تمام عوامل دخیل در فرایند ارزیابی و طراحی، داشتن اساسنامه‌ای موثر در نظارت بر گسترش شهرها و روستاها از جنبه‌ی تأثیر آن بر منظر و هویت منظر ضروری به نظر می‌رسد. در اروپا این جنبش از سال ۱۹۸۴ تحت عنوان ECOVAST با هدف تشویق مردم و دولت‌ها برای حفاظت از میراث ملی و فرهنگی از طریق پردازش هویت، ارزیابی و حفاظت، مدیریت و برنامه‌ریزی شکل گرفت.

ECOVAST^(۱) روشی برای ارزیابی شهرها و روستاها می‌باشد که بدلیل کامل و جامع بودن این روش می‌توان آنرا به بسیاری از محیط‌ها نیز بسط داد. ECOVAST، برای پیشبرد مثبت جوامع روستایی و حفاظت از میراث سیمای روستایی در سراسر اروپا شکل گرفت. در ابتدای شکل‌گیری نزدیک به ۵۰۰ عضو در ۲۰ کشور داشت که با گذشت زمان بر این تعداد افزوده شده است. ECOVAST توانست بستر مناسبی برای تغییرات مثبت و

نشان از تغییر و تحول ساختاری و زمانی در آن مثل جنگ و قحطی و ... می‌باشد. در واقع منظر با حس بینایی و شنوایی (شنیدن صدای آبشار، وزیدن باد در برگ‌ها) و حس لامسه (باریدن باران بر روی پوست و...) درک می‌شود که همه اینها از طریق احساس است. بسیاری از منظرها هم در قالب یک کلمه قابل ذکر و توصیف نمی‌باشند.

برای شناخت هویت منظر، ECOVAST ماتریس زیر را ارائه می‌کند، این ماتریس ۱۰ المان و عنصر اصلی ارزیابی منظر را نمایش می‌دهد که در قالب ۱۰ لایه در ارتباط باهم عمل می‌کنند (جدول ۱).

مقیاس‌های بزرگتر استفاده می‌شود. حال سوالی که مطرح می‌شود این است که هویت منظر چگونه درک می‌شود؟ منظر با دیدن و مشاهده درک می‌شود؛ برای درک کامل هویت منظر درگیر شدن ذهن و احساس اجتناب ناپذیر است، بنابراین منظر برای تشخیص هویت خود مشاهده، درک و احساس می‌شود. دلیل این فرایند سه عامله ماهیت تلفیقی منظر می‌باشد که ناشی از اعمال انسان و طبیعت و عکس‌العمل آنها است. اکتفا کردن به فاکتور «مشاهده» باعث می‌شود که درک درستی از لایه‌های زیرین منظر نداشته باشیم، برای مثال گل‌های وحشی نشانه‌ی خاک اسیدی و خاک اسیدی بیانگر سنگ بستر آتش‌فشانی می‌باشد. در عین حال بازمانده‌ی یک دیوار قدیمی روی یک تپه

جدول (۱): ماتریس هویت منظر

نام واحد منظر				میزان شدت خصیصه	لایه‌ها
ضعیف (۱)	متوسط (۲)	قوی (۳)	سلطه کامل (۴)		
					۱۰ - وابستگی‌ها و روابط
					۹ - سابقه‌ی تاریخی (قلعه، صومعه، سایت‌های تاریخی و ...)
					۸ - سازه‌های انسان‌ساخت (صنایع، گردشگری، زیرساخت‌ها و ...)
					۷ - منازل و سکونت‌گاه‌ها
					۶ - الگوی‌های کشاورزی و جنگلداری
					۵ - پوشش زمین (پوشش گیاهی، حیات وحش، زیستگاه‌ها)
					۴ - خاک
					۳ - فرم زمین (ریخت‌شناسی)
					۲ - اقلیم (هیدرولوژی، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، یخچال‌ها)
					۱ - سنگ بستر (بستر قابل مشاهده)

ملاحظات مورد نیاز در تحلیل نهایی

توصیف کوتاه: (در مورد ویژگی قالب منظر در حالت کلی و یا تأثیرات احساسی منظر)

ارزیابی: (اولین ارزیابی فرد از نقاط مهم منظر)

توضیحات تکمیلی: (اشاره به مقررات با توجه به قوانین حفاظت)

گستره‌ی تعلق هر خصیصه:

سلطه کامل: موجود در تمام قسمت‌های واحد منظر و مشهود از تمام نقاط عطف سایت، کمک به دریافت مفهوم هویت واحد منظر می‌کند.

قوی: موجود در سراسر واحد منظر اما ویژگی قالب سایت به شمار نمی‌آید.

متوسط: موجود در اکثر قسمت‌های واحد منظر که در قسمت‌های دیگر به چشم نمی‌خورد.

ضعیف: بصورت اتفاقی در واحد منظر یافت می‌شود.

لازم به توضیح است که در بررسی لایه‌های تشکیل دهنده منظر، ترتیب قرارگیری لایه‌ها از بیرونی‌ترین لایه (وابستگی‌ها و روابط) به درونی‌ترین لایه (سنگ بستر) می‌باشد. بنابراین پرواضح است که سنگ بستر به عنوان آخرین لایه مورد بررسی قرار گیرد

تشریح لایه‌های تشکیل دهنده هویت منظر

– سنگ بستر (سطوح زیرین زمین شناسی)

در اولین مراحل کنکاش منظر لزوم تهیه یک نقشه‌ی خاکشناسی از منظر احساس می‌شود. در منظر کوهستانی و یا در سواحل معمولاً امکان مشاهده‌ی سنگ بستر وجود دارد اما گاهی سنگ‌ها در زیر حجم بزرگی از توده‌های گیاهی پنهان می‌شوند و قابل رویت نخواهند بود. اصل مهم در شناخت هویت منظر توجه به عناصر قابل رویت در منظر است هرچند خارج از انتظار نیست که عناصر زیرساختی مانند سنگ بستر از عوامل مهم در کیفیت خاک و پوشش گیاهی آن منطقه می‌باشد. سنگ بستر در هر مکان اولین مصالح برای ساخت و سازهای آن منطقه است که مصالح بوم‌آورد اشاره به همین ساختارها دارند. علاوه بر این نکته سنگ بستر می‌تواند مشخص‌کننده‌ی اقلیم منطقه نیز باشد مخصوصاً هنگامیکه در ساختارهای محسوس مثل خانه‌ها و معماری منطقه بکار روند.

– اقلیم

شاید به نظر غیر منطقی باشد که عناصر و عوامل اقلیمی را به عنوان بخشی از ساختار هویتی منظر بررسی کرد اما نباید از این مهم غافل بود که اقلیم تاثیر بسزایی بر ویژگی‌های منظر و ظاهر آن خواهد داشت. باد عامل بصری نیست اما تاثیر آن بر عناصر بصری منظر نقش بسزایی بر قضاوت ما از منظر دارد. مثال عینی تاثیر باد بر منظر، خم شدن قامت یک درخت می‌باشد. این اتفاق بیشتر در زمین‌های هموار می‌افتد. در هلند تلفیق تأثیر آب و باد باعث تولید حرکات مشخص و واکنش‌هایی مداوم در منظر شده است. هوای سرد کوهستانی در رشته کوه‌های آلپ خطی ایجاد کرده که باعث از بین رفتن درختان در منطقه‌ی زیرین شده است. بنابراین درک اقلیم در هر واحد منظر کمک می‌کند تا درک منظر به‌راحتی صورت گیرد. مهم‌ترین عنصر تاثیرگذار اقلیم آب (باران- برف) می‌باشد که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم قابل لمس است.

– فرم زمین

در بسیاری از منظرها، قویترین فرم منظر از فرم زمین شکل می‌گیرد. کوه‌ها، تپه‌ها و تپه ماهورها، خطوط افقی در دشت‌های مسطح، فرورفتگی رودخانه در دره‌ها و سایر فرم‌های قابل مشاهده در منظر همه ناشی از فرم زمین است. البته عوارض طبیعی موجود در منظر نیز در برخی موارد تعیین‌کننده‌ی فرم

زمین می‌باشند و این درست برعکس حالت قبل است همانند فرورفتگی ناشی از رانش گسل در قسمتی از منظر. منحنی‌های میزان در نقشه‌های توپوگرافی سهم بسزایی در خواندن منظر دارند. نکته‌ی مهم، درک چگونگی رابطه‌ی فرم زمین و منظر می‌باشد. مثلاً وجود یک قلعه بر روی یک کوه باعث افزایش حس قدرت و سلطه خواهد شد و یا وجود ردیف درختان در امتداد یک مسیر، تأکید بیشتری بر مسیر خواهند داشت.

– خاک

خاک عنصری است که در کلیت ساختار منظر کمتر قابل مشاهده است زیرا توسط پوشش گیاهی و برخی کاربری‌ها طی سال‌های متمادی پوشیده مانده است. این مسئله در پهنه‌هایی مثل کشور ایران نیازمند بازبینی است. زیرا بعنوان مثال در مناطق بیابانی ایران پوشش غالب منظر خاک است و قطعاً نقش موثرتری در تعیین هویت منطقه خواهد داشت. گاهی ممکن است خاک منطقه در اثر فرسایش و باد در معرض تغییر و تحولات فصلی قرار بگیرد، اما در هر صورت خاک در هر منظر عامل اصلی است. ضخامت، عمق، حاصلخیزی و میزان اسیدیته خاک باعث شکل‌گیری سیماهای منحصر بفرد می‌شود.

– پوشش زمین

در برخی منظرهای روستایی پوشش زمین محسوس‌ترین ویژگی منظر است. در برخی روستاها و شهرها انواع پوشش‌های گیاهی و سبز توانایی ایجاد انواع سطوح سبز را دارند. الگوی کاشت و توسعه‌ی گیاهی، تقسیمات بین مناطق، تفاوت‌های بین مناطق و کاربردهای مختلف اراضی، عامل تفاوت منظر است. پوشش زمین در منظر الگوی بصری ایجاد می‌کند و همچنین باعث ایجاد زیستگاه‌های متفاوت برای حیات وحش آن منطقه نیز خواهد شد. بطوریکه به جرأت می‌توان گفت حیوانات و درکل جانداران یک منطقه در هویت‌بخشی به منظر آن محدوده نقش بسزایی دارند. به همین دلیل است که می‌توان پوشش جنگلی را در کنار مناطق بیابانی داشت. درست همانند فرم زمین، پوشش زمین نیز می‌تواند در قالب یک نقشه نمایش داده شود.

– الگوهای کشاورزی و جنگلداری

رژیم کشاورزی و جنگلداری نقش موثر و بسزایی بر سیمای روستاها و تغییرات فصلی دارد. شخم زدن، چرای بیش از حد دام، عبور گله‌ها از درون اراضی، کشت و سایر دستکاری‌ها در طبیعت همگی باعث تغییرات منظر می‌شوند. الگوی مهاجرت در هر

می‌شود تاثیر بسزایی خواهد داشت.

– وابستگی‌ها و روابط

شناسایی کیفیت منظر بدون دخالت احساس مقدور نمی‌باشد. درک حس مکان، فرآیندی در رابطه با محل و مردم محلی است و گذشته و آینده را با احساسات مردم هم‌نشین می‌کند. احساسات یک منظر در شعر، موسیقی و یا نقاشی بیان شده است. این احساسات از طریق جوامع قدیمی در قالب دست نوشته‌های مختلفی نسل به نسل منتقل شده است. برای انجام این مرحله در نظر گرفتن احساس غالب در محیط در بدو ورود به منظر نقش مهمی ایفا می‌کند.

گام‌های اجرایی

برای خوانش واحد منظر و فراهم کردن توصیفی از منظر، فرآیند نسبتاً ساده‌ای وجود دارد. این فرایند می‌تواند توسط افراد به تنهایی و یا در حالت ایده‌آل بصورت گروهی انجام شود. این روند شامل چهار مرحله زیر می‌باشد:

- اقدامات اولیه
- مشاهده‌ی منظر
- یادداشت‌برداری
- کارگروهی

اقدامات اولیه

بررسی منظر مانند تمرین بر جغرافیای کاربردی می‌باشد. بنابراین داشتن یک نقشه از منطقه که بتواند تمام واحد منظر و در برخی موارد حتی چندین واحد منظر را در یک صفحه نمایش دهد، امر مفیدی خواهد بود که معمولاً در مقیاس ۱:۵۰۰۰۰ یا ۱:۱۰۰۰۰۰ تهیه می‌شود. برای انتخاب این نقشه شناخت منطقه مورد نظر در راستای ایده‌ی طرح ضروری به نظر می‌رسد و این مسئله هنگامی که اطلاعاتی در مورد لبه‌ها و مرزهای منظر مورد نظر موجود نمی‌باشد پررنگ تر خواهد شد. مرز بصری مشخص شده در نقشه می‌تواند شامل تغییرات برجسته و مشخص در خطوط توپوگرافی، تغییر در نوع پوشش گیاهی و یا حد و مرز شهرها و روستاها باشد. به همین دلیل در این فرآیند نیاز به نوعی از نقشه بنام «نقشه فیزیکی» است که نشان‌دهنده‌ی ویژگی‌های اصلی منظر باشد.

مطالعات پایه در مورد منطقه‌ی مورد نظر برای دستیابی به برخی

منظر خاص همان منظر می‌باشد. به عنوان مثال الگوی مهاجرت در منظر کوهستانی قطعاً متفاوت با الگوی مهاجرت در تالاب‌هاست. مهاجرت جانداران از کوهستان در مقایسه با مهاجرت پرندگان از منطری مثل تالاب کمتر چشمگیر خواهد بود. این مقوله یکی از چندین عامل تفاوت الگوی مهاجرت در سیماهای طبیعی است که قابل بسط به سایر عرصه‌های طبیعی و انسان‌ساخت می‌باشد. ریشه‌ی منظر فرهنگی – منظر انسانی – فعلی، به زمانی باز می‌گردد که انسان‌های اولیه زیستگاه‌های موجود را تبدیل به زمین‌های کشاورزی نمودند.

– منازل و سکونت‌گاه‌ها

سکونتگاه‌های انسانی اغلب در کنار آب‌ها شکل می‌گیرد. همزمان استفاده از مصالح بوم‌آورد مشهود و غالب می‌باشد. در سال‌های اخیر تولید انبوه سازه‌ها باعث کاهش استفاده از مصالح بوم‌آورد شده است. شهرها و روستاهای هر منطقه با توجه به هویت خود، الگوی سکونت مشخصی دارند که در هماهنگی با لایه‌های سنگ بستر زیرین، اقلیم و شکل زمین می‌باشد. همچنین این سکونتگاه‌ها باعث ایجاد نقاط عطف در منظر می‌شوند. میادین مرکزی، برج‌ها و بقعه‌ها از جمله اماکن هستند که در یک منظر روستایی می‌توان از آن‌ها به نقاط عطف یاد کرد.

– سایر سازه‌های انسان‌ساخت

منظر مانند صحنه‌ی نمایشی است که هنرمندان زیادی دارد، در نگاه اول منظر در برگیرنده‌ی کشاورزان، مزرعه‌داران، خانه‌داران و امثال آن می‌باشد، اما معدن کاران چطور؟ سربازان، مهندسان برق و سایر افراد و جزئیاتی که توسط آنان ایجاد می‌شود مثل خطوط آهن و سایر سازه‌های شاخص منظر که نیازمند ثبت می‌باشند، در چه وضعیتی هستند؟

– سابقه‌ی تاریخی

الگوهای سکونت امروزی و کاربری‌های امروزی زمین همگی بر روی لایه‌های زیرین نقش بسته‌اند و برخی اوقات این ویژگی‌ها کاملاً مشخص هستند و ویژگی خاصی را در منظر به وجود می‌آورند. مانند برج‌ها و بقعه‌ها بر روی تپه‌ها. بعلاوه برخی از الگوهای تاریخی ممکن است محسوس نباشد و نیازمند نگاه دقیق و تیزبین باشد. مثل خطوط منحنی که بر اثر شخم‌زدن زمین بوجود می‌آید. منظر گواه تاریخ منطقه می‌باشد. بنابراین درک تاریخ محلی یک مکان در تفسیر آنچه که در منظر مشاهده

بعدی منظر، از آن استفاده کرد.

کار گروهی

شناسایی و درک هویت منظر توسط افراد محلی و یا مشارکت همگانی در قالب گروه‌های چند نفره می‌تواند صورت گیرد. بنابراین روشن است که مشارکت جمعی نقش مهمی دارد. اما حالت ایده‌آل این است که تیم اجرایی از افرادی باشد که سابقه و تجربه‌ی علمی - عملی انجام اینگونه ارزیابی‌ها را داشته باشند تا در کمترین زمان، بهترین نتیجه‌ی ممکن به‌دست آید. در نهایت باید خاطر نشان کرد که هر منظر در ارتباط با افرادی است که با آن در ارتباط هستند و تعامل دارند. روشن است که رفتار انسان‌ها به عنوان عامل تغییر دهنده بستر زمین تأثیر مستقیم بر سیمای عرصه خواهد داشت. بنابراین بررسی رفتار انسان‌ها به عنوان عاملی که از سویی در تعامل با محیط است و از سوی دیگر بر محیط تأثیر می‌گذارد، لازم و اساسی به نظر می‌رسد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که به‌کارگیری ماتریس «ECOVAST» با تعریف صحیح هر یک از مراحل آن کمک شایانی به درک هویت منظر خواهد نمود. عدم توجه به چگونگی هویت شکل گرفته در سیمای یک منطقه، ساختار آن محل و ارائه‌ی برنامه‌های مدیریتی در راستای توسعه آن منظر، باعث شکل‌گیری منظر غریبه با هویت خود خواهد شد و پرواضح است که گذشت زمان باعث کاهش کیفیت آن می‌شود. از طرفی جاذبه‌ها و سیمای منحصر بفرد طبیعی، همواره بستر ساز حضور آدمیان بسیاری بوده است. منظر و سیمای طبیعی به‌عنوان منابعی خدادادی و ثروت‌هایی ملی تعریف می‌شوند، که باید در چارچوب نگرش توسعه پایدار و با محفوظ دانستن حقوق نسل‌های آینده، بهره‌برداری شوند. لذت بردن از جاذبه‌های طبیعی، ویژه انسان است و انسان میراث‌دار اصلی گستره‌ها، منظر و جاذبه‌های طبیعی است. جاذبه‌های طبیعی ویژگی‌هایی است که انسان با چشم قادر به مشاهده و با دیگر حواس قادر به درک آن است. ویژگی این دسته از منابع به عنوان منابع تفرجگاهی، چشم‌اندازهای بدیعی است که موجب آرامش روحی انسان و احساس رضایت می‌شود. در راستای بهره‌برداری جدید از مناطق طبیعی، درک معنای هویت منظر امری بسیار ضروری می‌باشد. با تکیه بر این مهم می‌توان درک درستی از

اطلاعات مثل سطوح زمین‌شناسی، کیفیت خاک، اقلیم، تاریخچه کاربری زمین (کشاورزی، جنگل‌کاری، معدن‌کاری، سکونت‌گاه انسانی) بسیار مفید است و ذهنیتی از منظر را در ذهن بیننده ایجاد می‌کند. در عین حال کمک می‌کند تا منظر به ظاهر آشنا را از زاویه‌ی دیگری مشاهده کرد. دانش ناخودآگاه را تبدیل به دانش مكتوب کرده و سبب درک بهتری از منظر و ویژگی‌های آن می‌شود.

مشاهده منظر

مشاهده‌ی منظر و به تعبیر دیگر «برداشت میدانی»، اصلی‌ترین و مهمترین بخش در سایت مورد نظر است. این عمل بهترین راه یافتن نقاط عطف در منظر می‌باشد، نقاطی که دید وسیع و گسترده به سایت دارند و از فاصله نه چندان دور نیز قابل شناسایی می‌باشند. سایر ویژگی‌های منظر هنگام بازدید از سایت به دست خواهد آمد. در ادامه می‌توان از ماتریس ۱۰عامله در قالب چک لیست برای ثبت و ضبط ویژگی‌های منظر استفاده نمود. تاکید اصلی بر ویژگی‌های بصری محسوس در منظر و احساس درونی هنگام گذر از هر بخش می‌باشد. پیشنهاد مهم در برداشت میدانی، ثبت ویژگی‌های بصری منظر می‌باشد. سایر اطلاعاتی که به درک بهتر منظر کمک می‌کنند و در عین حال قابل مشاهده نمی‌باشند، خارج از ماتریس و در بخش ملاحظات بررسی و ثبت می‌شوند. هدف بررسی‌کننده، به‌دست آوردن خاطره کلی حضور در منظر می‌باشد و پرواضح است که حاشیه منظر، جایی که تفاوت ساختاری با واحد دیگر دارد، محدوده برداشت می‌باشد. باز هم تاکید می‌شود که در این مرحله هدف، درک کلیت منظر است و از پرداختن به جزئیات خودداری می‌شود. ثبت منظر به صورت تصویر، روش مناسبی برای درک نقاط مهم منظر از نظر بصری است.

یادداشت برداری

آخرین مرحله یادداشت‌برداری می‌باشد. این کار هنگامی ضرورت بیشتری می‌یابد که تصویربرداری به‌صورت گسترده در سایت انجام شده و نیازمند تفکیک و انتخاب دوباره نقاط عطف سایت است. با این کار می‌توان ویژگی برتر نقطه‌ی هدف را به صورت مكتوب ثبت کرده و در هنگام تصمیم‌گیری از آن استفاده کنیم. از مزایای دیگر یادداشت برداری، انتقال حس مکان درک شده توسط فرد به روی کاغذ می‌باشد که می‌توان برای تحلیل‌های

اقتصادی بستر را فراهم می‌آورد و این چیزی جز دستیابی به برنامه‌ریزی و طراحی پایدار منظر و سیماهای طبیعی نمی‌باشد.

یادداشت‌ها

1. European Landscape Convention
2. European Council for the Village and Small Town

منظر داشته و اگر قرار به ارائه طرحی چه در جهت مرمت و چه در جهت حفاظت و توسعه منظر است، می‌توان با توجه به رویکرد یاد شده در این تحقیق یک روند منظم در فرایند درک هویت منظر طرح‌ریزی نمود. طراحی منطبق با هویت منظر، کمترین آسیب به منظر شده و در عین حال می‌تواند نیازهای کاربران را برآورده کند. پرواضح است که توجه به ارزش‌های طبیعی و اکولوژیک بستر موجبات حضور هر چه بیشتر استفاده‌کنندگان و در نتیجه احیای ارزش‌های اجتماعی و

فهرست منابع

- امین‌زاده، ب. ۱۳۸۲. منظر، الگو، ادراک، فرآیند. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. تهران. ص ۴۴۰.
- ایرانی بهبهانی، ه. و شفیع، ب. ۱۳۸۶. منظرسازی کوهستان با استفاده از گیاهان بومی، محیط‌شناسی، شماره ۴۲. صص ۱۲۴-۱۰۹.
- آتشین‌بار، م. ۱۳۸۸. تداوم هویت در منظر شهری. باغ نظر، سال ششم. شماره ۱۲. صص ۴۵-۵۶.
- بحرینی، ح. و امین‌زاده، ب. ۱۳۸۴. زبان منظر. تهران، دانشگاه تهران. ص ۴۵۶.
- بمانیان، م.ر. و احمدی، ف. ۱۳۸۹. مبانی طراحی منظر طبیعی در مناطق حفاظت شده. فرهنگ پارس، شیراز. ص ۱۴۴.
- بمانیان، م.؛ پور یوسف‌زاده، س. و احمدی، ف. ۱۳۸۹. مرمت منظر طبیعی. فصلنامه حفاظت شکار و طبیعت. شماره بهار. صص ۴۵-۴۰.
- بهزادفر، م. ۱۳۸۷. هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران)، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران. نشر شهر. چاپ دوم. تهران. ص ۳۲۵.
- پیران، پ. ۱۳۸۴. «هویت شهرها: غوغای بسیار برای مفهومی پیچیده»، مجله آبادی. سال پانزدهم. شماره ۴۸ معاونت شهرسازی و معماری. وزارت مسکن و شهرسازی. صص ۷ تا ۱۰.
- دهخدا، ع. ۱۳۷۷. لغت‌نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران. تهران. ص ۲۶۵۷۵.
- شیرازی، م. ۱۳۸۸. ۱۹۸۰. روح مکان بسوی پدیدار شناسی معماری. انتشارات رخداندو. تهران. ص ۱۸۶.
- صالحی امیری، ر. ۱۳۸۷. «هویت»، پژوهشنامه شماره ۱۹. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی. تهران. ص ۱۸۲.
- صیوری، م. ۱۳۸۷. جامعه‌شناسی. نشر نی. تهران. ص ۸۸.
- محرمی، ت. ۱۳۸۳. هویت ایرانی- اسلامی ما در هویت ایران، مجموعه مقالات هویت، ملیت، قومیت در ایران. پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. تهران. ص ۱۳۰.
- معین، م. ۱۳۷۱. فرهنگ فارسی، جلد هفتم. موسسه لغت‌نامه دهخدا. دانشگاه تهران. ص ۳۴۶.
- نوروز برازجانی، و. ۱۳۸۲. معماری: معنا و مکان. انتشارات جان‌جهان. تهران. ص ۱۳۶.
- وهاب‌زاده، ع. ۱۳۸۶. طراحی با طبیعت. مشهد. انتشارات جهاد دانشگاهی. ص ۱۰۶.
- وهاب‌زاده، ع. ۱۳۸۸. بهار خاموش. انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد. مشهد. ص ۲۸۸.
- ASLA Websie. 2008. Preservation of historic sites, districts and cultural landscapes. 1984, 2000, 2001. Available from: www.asla.org.
- European council for the village and small town. 2002. ECOVAST Landscape identification. Updated at September 2006. England.
- IUCN. 2009. Implementing Sustainable Bioenergy Production (A Compilation of Tools and Approaches). Retrieved 8/5/2009. from IUCN: <http://cmsdata.iucn.org>.